

# الباب التاسع من الواحد الخامس في ان يذ كر في كل شيء...

حضرت باب

اصلي فارسي



## الباب التاسع من الواحد الخامس في ان يذ كر في كل شيء اذا اراد ان يستعمله اسم من اسماء الله سرا او جهرا او التفاتا.

ملخص اين باب آنكه از آن جائي كه هيچ شيء شئييت ندارد الا بالله عز و جل و يومي از براي او مقدر شده كه در منتهای كمال خود رسد كه ما في الامكان او بالفعل در او ظاهر گردد و آن وقت لايق ميگردد كه اسم الله بر او ذكر شود در حد او نه در فوق رتبه او و از آنجائي كه اهل بيان را خداوند امر فرموده كه كل شيء را بمنتهای كمال خود ظاهر گردانند اذن فرموده ايشان را كه هر شيء را بحروف اسم او با اسماء الله جل و عز خوانده شود كه هيچ نفسي در هيچ شيء نبيند الا طلعت ظهور مشيت را كه در او ديده نميشود الا الله

مثلا منتهی اليه رتبه جماد سنگ است در سين او نبيند الا سبوح و در نون او الا نور را و در كاف او الا كريم را چه ذكر كند بقول يا چه خطور كند بقلب او يا آنكه التفات كند بر او بغير آنكه بلسان گويد يا بقلب خود خطور دهد و اگر نتواند بذكر "بسم الله الامنع الاقدس" ذكر كند كه خداوند جل و عز از او قبول ميفرمايد آنچه را كه اراده فرموده در اين امر كه هيچ شيء در او ديده نشود الا "من يظهره الله" كه مبدأ اسماء و صفات الهی است بلکه در يوم ظهور آن شمس حقيقت هيچ صاحب انيتي اظهار انيت خود نكند و در خود نبيند الا او را كه او قائم باو بوده وهست



ORIGINAL



AUDIO

نه این است که تواند او را در خود دید بلکه مثل او مثل مرآتی است که در مقابل شمس واقع شود شمس را در خود می بیند و حال آنکه شبح او است کل ما یقع علیه اسم شیء را در نزد "من یظهره الله" همین قسم تصور کن از عالم مجرد گرفته تا منتها الیه تحدید که آنچه در او است از شبح شمس ظهور او است قبل از ظهور او زیرا که لم یزل غیر او ظاهری نبوده و نخواهد بود

و دوست میدارد یومی که ظاهر گردد نه بیند در علم خود الا آنکه کل بمنتهی الیه کمال خود در بیان عروج نموده ونیست ذره طینی در قعر بحری الا آنکه او مالک او گشته از نفس مؤمنین از خلق محبوب او و کل مرایائی گشته اند از برای استعداد طلوع شمس که بجز اشراق ضیاء او که آیات او است کل دلالت کنند بر او این است ثمره این حکم اگر نفسی تعقل نماید

والله ینور قلوب عباده المتقین.

